خارج فقه جلسه 24 - صحت عمل در صورت ترک تقیه – 15/08/1401

موضوع: (مسح بر پا - آیا عمل در صورت ترک تقیه صحیح است؟ - ادله - اشکال به ادله - نحوه وجوب تقیه)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مسئله ششم: اگر در جایی تقیه واجب بود آیا ترک تقیه جایز است به‌طوری‌که عمل بدون تقیه صحیح باشد یا نه؟ مثلاً مسح بر کفش وظیفه‌اش بود چون باید تقیه می‌کرد اما تقیه نکرد و مسح بر پا انجام داد آیا این وضو صحیح است یا نه؟

مرحوم سید در عروه نوشتند که وضوی او اشکال دارد و وجه اشکال: عدم تمامیت ادله بطلان است یعنی آن دلایلی که برای بطلان وضو آمده تام نیست که دو دلیل بود:

دلیل اول: اینکه ظاهر اوامر تقیه جزئیت است که در روایت، تقیه جزء مأمور به است و مأتی به بدون جزء باطل است به خاطر عدم انطباق مأتی به با مأمور به است که مأمور به مسح بر کفش است و مأتی به مسح بر پا است.

دلیل دوم: امر به شیء مقتضی نهی از ضد است که امر به تقیه مقتضی نهی از ضدش است چون اگر ضد آن را انجام بدهید مفسد عبادت است و تقرب نمی‌آورد، مرحوم شیخ انصاری[[1]](#footnote-1) فرمودند اگر کسی باید تقیه کند که سجده را با مهر انجام ندهد اما اگر با مهر سجده کند این سجده باطل است.

اشکال استاد به هر دو دلیل:

اما دلیل اول: آیا حکم به تقیه بدلیت می آورد؟ و یا دو موضوع مستقلی است؟ مثلاً بین قصر و اتمام آیا بین آن‌ها نسبت ابدال است؟ یعنی نماز قصر بدل نماز تمام است؟ خیر بلکه دو موضوع مستقلی است لذا هرکدام مصلحت ملزمه­ای دارند و جای یکدیگر قرار ندارند و در اینجا هم تقیه بدلیت نمی‌آورد بلکه دو حکم جدا هستند و نماز با تقیه را نماز ناقص و نماز بدون تقیه را نماز تام نامیده‌اند و از باب اینکه نماز ناقص بدل از نماز تام است بنام بدل اضطراری گفته‌اند لذا نماز تقیه‌ای مستقلاً تشریع نشده است و شاهد آن اینست که در موثقه سماعه که گذشت که دایره وسیع است از جهت مندوحه و غیر مندوحه و اینکه فعل ناقص می‌تواند بدل از فعل کامل باشد پس اینکه فرمودید ظاهر اوامر تقیه جزئیت است اشکال دارد و فقط بدلیت است چون جزئیت در جایی است که دو موضوع مستقل و دو مصلحت ملزمه ای باشد.

اما دلیل دوم: قاعده امر به شیء مقتضی نهی از ضد مربوط به‌ وقت موسع است اما بحث ما در مضیق است بله امر به تقیه یک دلالت مطابقی دارد و یک دلالت التزامی که دلالت مطابقی «یجب علیک التقیه است خوفا من الضرر» است اما دلالت التزامی آن حرمت ترک تقیه است و هرگاه عبادت متعلق حرمت شود از عبادیت ساقط می‌شود چون مقرب نیست لذا از این باب می‌شود گفت که مخالفت تقیه موجب بطلان عبادت می‌شود.

اما اشکال آن این است که آیا وجوب تقیه طریقی است یا نفسی؟ که طریقی یعنی ما را از خطر جانی و مالی حفظ کند حال اگر مخالفت تقیه شد و خطری پیش نیامد آن وضو باطل نیست اما وجوب نفسی تقیه ‌این است که اصلاً تقیه ذاتاً واجب است مثل نماز که در این صورت ترک تقیه موجب بطلان وضو می‌شود اما همه قائلند وجوب تقیه طریقی و غیری است پس صحت عمل برای تارک تقیه محل اشکال است چون ادله ناتمام است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. رسائل الفقهیه از شیخ ص ۹۶ طبع مجمع الفکر الاسلامیه [↑](#footnote-ref-1)